



ترکیبی از آب، کوه و آرامش را در ارتفاعات کمربند جنوبی تجربه کنید

کوه‌شار چشم‌اندازی بکر روبه‌شهر



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

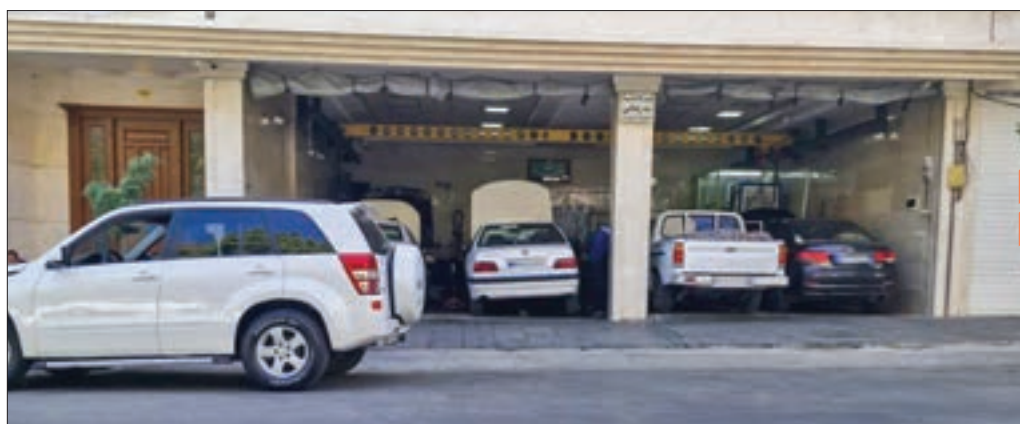
فاطمه مجاور یکی از مجروحان بمب‌گذاری
واقع‌ه حرم مطهر رضوی است
عنایت آقا اگر نبود...



اهالی محله پروین اعتصامی از فعالیت مشاغل
مزاحم در محله‌شان شاکی هستند

**۲ خدمات خودرویی
همسایه‌های پرسروصدا**

کاسب قدیمی کوچه سراب
مایه دلخوشی اهالی است
۷ آقارضا، امین همسایه‌ها



اهالی محله پروین اعتصامی
از فعالیت مشاغل مزاحم در محله شان شاکی هستند

خدمات خودرویی همسایه های پرسرو صدا

سمیرا منشادی اصدای باز کردن چرخ ها باد دستگاه برقی در سکوت کوچه پیچیده است. لکه های کهنه روغن روی سطح پیاده روماسیده است و این موضوع از قدمت تعمیرگاه حکایت دارد. شاید وجود تعمیرگاه در بافت مسکونی کمی دور از ذهن به نظر برسد اما این وضعیتی است که در محله پروین اعتصامی مانند بسیاری از محلات دیده می شود.

این مغازه ها در واقع بخشی از حیاط یا پارکینگ خانه اهالی هستند که به مغازه و تعمیرگاه خودرو تبدیل شده و برای همسایه ها مزاحمت ایجاد کرده اند.



شناخته بشوند. اما اگر همین اهالی خودروشان نیاز به تعمیر داشته باشد، این صنف برایشان کمک محسوب می شوند.

شکری بابیان اینکه آن ها هم کاسب هستند و باید امور زندگی شان بگذرد، می گوید: به نظرم بهتر است صبرمان را بیشتر کنیم. تعمیرکارها هم باید کار کنند و نان سر سفره ببرند.

وارد یکی از کوچه های پروین اعتصامی می شوم. یک نفر که لباس کار به تن کرده است، توضیح می دهد: اجاره مغازه در خیابان کوشش زیاد شده است و برخی از کسبه برای اینکه مشتریان خود را از دست ندهند و از طرفی نزدیک به محل کار قبلی خودشان باشند، به محله های نزدیک تر مانند پروین اعتصامی آمده اند. عطاری درباره تعمیر ماشین مقابل پل خانه همسایه ها می گوید: گاهی که داخل مغازه ماشین هست، برای اینکه خیابان شلوغ نشود و مأموران شهرداری اخطار ندهند، ماشین های دیگر را برای تعمیر به کوچه کناری می آوریم.

● ● اخطار و تشکیل پرونده

رئیس اداره خدمات شهری منطقه ۷ درباره مشاغل مزاحم به شهرآرام محله می گوید: از ابتدای سال تاکنون، هفده پرونده برای مشاغل مزاحم در محله پروین اعتصامی تشکیل شده است که این موارد دارای اخطاریه و رأی کمیسیون و تعهد محضری هستند.

محسن حسنی ادامه می دهد: از این هفده پرونده، دوازده مغازه پلمب شده است و سه مغازه هم تا هفته آینده پلمب خواهد شد. او بیان می کند: بارها به این اصناف اخطار داده و حتی مغازه را پلمب کرده ایم. اما مالکان همکاری نمی کنند و دوباره ملکشان را به صنف خدمات خودرویی اجاره می دهند.

حسنی ضمن ارائه پیشنهادی بیان می کند: مادر اداره خدمات شهری اخطار می دهیم، اما اعضای شورای اجتماعی باید این موضوع را از اتحادیه خدمات خودرویی هم مطالبه کنند و خواستار رفع مشکل باشند.

● ● آسایش نداریم

میشم بوریان منزلش نزدیک مغازه خدمات برق خودرو قرار دارد. او می گوید: همیشه چند خودرو در اطراف خانه مان پارک شده است و منتظرند که به کارشان رسیدگی شود. حتی نمی توانیم برای یک دقیقه پنجره خانه مان را باز کنیم. صدای ماشین های روشن روی اعصابمان است.

بوریان از این وضعیت دل خوشی ندارد و آن طور که می گوید چند بار با مالک مغازه صحبت کرده اند که به صنف خدمات خودرویی مغازه اش را اجاره ندهد. اما صحبت هایشان در عالم همسایگی هم جواب نداده است.

او در ادامه می گوید: چرا مسئولان به این وضعیت رسیدگی نمی کنند و این اصناف را از بافت مسکونی جمع نمی کنند؟

● ● پیاده رو مسدود است

خدیجه زندی یکی دیگر از ساکنان این محله است. او این طور نظر می دهد: تعمیرکار خودروها را در پیاده رو پارک می کند. ماکه به قصد خرید در محله رفت و آمد داریم، باید برای عبور و مرور به داخل خیابان برویم؛ چون پیاده رو مسدود است.

او ادامه می دهد: بارها دیده ام که افراد سالمند یا مادرانی که کالسکه دارند، برای عبور از این قسمت مجبور می شوند به خیابان بروند. زندی دو فرزند دارد و نگرانی اش برای عبور و مرور کودکانش را این طور بیان می کند: بارها به فرزندم تا کید کرده ام که هنگام رفتن به مدرسه از پیاده رو استفاده کنند و به خیابان نروند؛ زیرا امکان برخوردشان با ماشین وجود دارد.

تقی شکری راد یکی از کوچه های پروین اعتصامی می بینم. او که حدود شصت سال دارد، نظر متفاوتی دارد و می گوید: شاید خدمات خودرویی که در این کوچه ها فعالیت دارند، به عنوان مشاغل مزاحم

مطالبه شهروندان از شهردار منطقه ۷

سمیرا منشادی هفته گذشته رضادآوری، شهردار منطقه ۷، به همراه معاون فنی و اجرایی شهرداری، رؤسای اداره ها و مسئول روابط عمومی منطقه، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافتند. در این دیدار نود دقیقه ای، آن ها به صورت مستقیم و بدون واسطه، به بیست تماس تلفنی و درخواست های شهروندان پاسخ دادند.

در همین هفته، از رؤسای شورای اجتماعی محلات منطقه ۷ نیز دعوت شد که از نزدیک با فعالیت های مرکز ۱۳۷ آشنا شوند. در پایان این بازدید، شهردار منطقه از تلاش ها و همراهی رؤسای شوراهای اجتماعی محلات قدردانی کرد.



شهردار محله پیگیری می کند

شهردار محله، در شماره های آینده ترافیک بولوار ایمان را پیگیری خواهد کرد.

درخواست های مربوط به اداره نظارت بر ساخت و سازها

یک شهروند در تماسی خواستار نظارت بیشتر بر ساخت و سازها شد.

درخواست های مربوط به حوزه عمرانی

۴ تماس در حوزه عمرانی برقرار شد که شهروندان از مسائلی مانند نیاز به پیاده روستازی در خیابان های سپاه، پروین اعتصامی و کوشش گفتند. همچنین شهروندان درخواست ترمیم آسفالت خیابان های شهید فرجی را داشتند.

تعداد پیام های مردمی

۲۰ تماس

درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

از بین تماس ها ۶ مورد مربوط به حوزه فضای سبز بود. ۲ شهروند درخواست ایجاد فضای سبز در خیابان های شهید صیدآبادی و سپاه ۷۳ را داشتند. همچنین ۲ شهروند درخواست کردند فضای سبز شهرک ابوذر و خیابان یاران آبیاری شود. یک شهروند هم از خاموشی تیرهای چراغ برق در فضای سبز حاشیه خیابان مهدی گلایه کرد.

درخواست های مربوط به اداره حمل و نقل و ترافیک

۲ تماس با موضوعات حمل و نقل و ترافیک مطرح شد و درخواست ترافیک میدان شهیدان سلطانی و ترافیک بولوار ایمان، شهروندان درخواست رسیدگی داشتند.

تماس های نامرتب

۲ تماس در حوزه اتوبوس رانی و اداره برق از سوی شهروندان برقرار شد که شهردار منطقه در این خصوص شهروندان را راهنمایی کرد.

درخواست های مربوط به حوزه خدمات شهری

۶ تماس مربوط به حوزه خدمات شهری بود. ۳ مورد درباره رفت و روب معابر و جمع آوری زباله ها در انتهای بولوار فدائیان اسلام بود. همچنین مشکل موش ها و بوی نامطبوع جوی ها در بولوار شهیداصلانی موضوع تماس های شهروندان بود. ۲ شهروند هم از مشکلات مشاغل مزاحم در خیابان های امام رضا (ع) و پروین اعتصامی گفتند.

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

لباس‌هایی برای نشان دادن لبخند

با همراهی اهالی محله امام رضا^(ع) و به همت پایگاه بسیج شهید نامجو تعداد شایان توجهی البسه نوبه ارزش ۸ میلیون تومان خریداری و بین افراد نیازمند محله توزیع شد. بیشترین پوشاک به کودکان و نوجوانان خانواده‌های کم‌برخوردار اختصاص یافت و اهالی در تهیه آن مشارکت کردند.



عطر انتظار در مجتمع فرهنگی یاس فاطمی

نجمه موسوی زاده | سفره مهدویت در مجتمع فرهنگی، آموزشی و ورزشی یاس فاطمی و بانیات تقویت روحیه انتظار در محله شهید بهشتی پهن شد. در این برنامه معنوی، حدود صد نفر از بانوان این مجتمع شرکت کردند و با همدلی و همیاری یکدیگر، سفره‌ای ساده و صمیمی با ساندویچ نان و پنیر و سبزی، خیار و خرما پهن کردند. پرچم‌هایی با شعار «این خانه منتظر فاطمه^(س) است» و «لیک یا مهدی^(عج)» زینت بخش این مراسم بود. در این مراسم دعای فرج و زیارت عاشورا قرائت شد.

رقابت صمیمی پدران و پسران

مسابقه فوتبال بین پدران و فرزندان در کوی سازمانی مهر (ارتش) برگزار شد. در این رقابت دوستانه که ۱۰ پدر با پسرانشان حضور داشتند، لحظاتی شاد و صمیمی رقم خورد. این برنامه با هدف تقویت ارتباط میان اعضای خانواده و ایجاد نشاط در محله امام خمینی^(ره) برگزار شد. در کوی مهر، هر ماه مسابقاتی مانند فوتبال، طناب‌کشی و بازی‌های فکری بین مادران و دختران یا پدران و پسران برگزار می‌شود. این رقابت‌ها فضای گرم‌تری در خانواده‌ها ایجاد کرده و با استقبال خوب همراه شده است.

راه‌اندازی پایگاه ازدواج آسان در مسجد پنجتن

کانون فرهنگی هنری رسالت، با هدف ترویج ازدواج آسان، پایگاهی با همین نام را در مسجد پنج تن^(ع) محله شهید بهشتی راه‌اندازی کرده است. در این طرح که روزهای شنبه اجرامی شود، چند نفر از بانوان فعال مسجد با حضور در پایگاه، فرم‌هایی را در اختیار خانواده‌های دارای فرزند دم‌بخت قرار می‌دهند که شامل اطلاعات فردی و معیارهای مدنظر دختران و پسران مجرد است. پس از بررسی فرم‌ها و هماهنگی، زمینه‌آشنایی و ازدواج فراهم می‌شود.

تابستان رنگارنگ با گل‌های فصلی

عملیات گل‌کاری تابستانه با کاشت ۲۷۵ هزار بوته گل فصلی و دائمی در میادین و آیلندها در منطقه ۸ انجام شد. این گل‌کاری شامل گونه‌های گیاهی مقاوم به گرمای تابستانه کوکب کوهی، جعفری، ابری، اطلسی ایرانی و خارجی، تاج خروس بود که در بوستان‌های بزرگ کوهسنگی، جهان‌شهر، کوهسار، باغ ملی، میدان امام خمینی^(ره) و... کاشته شد.

کودکان و نوجوانان، یاوران آب

با مشارکت اداره آب و فاضلاب مشهد در بوستان شهر بانوی کوهسنگی، کارگاه مصرف بهینه آب برگزار شد و کارشناسان، کودکان و نوجوانان را در این کارگاه بارش‌های مصرف بهینه و ابزارهای کاهنده مصرف آشنا کردند. برای جذب کودکان، کارگاه نقاشی، مسابقه و نمایش عروسکی همراه با اهدای جوایز در این کارگاه برگزار شد.

اتصال جدید از منطقه ۸ به بولوار نماز

اتصال بولوار امام خمینی^(ره) به بولوار نماز تا دو هفته دیگر محقق می‌شود. با این اقدام کریدور شمال به جنوب شهر تکمیل خواهد شد. در فاز نخست این پروژه و در پایان سال گذشته، ۶۰۰ متر پروژه در ضلع شمالی آن به بهره‌برداری رسید. تنها دو بخش دیگر شامل یک راست‌گرد و یک لوپ باقی مانده است.

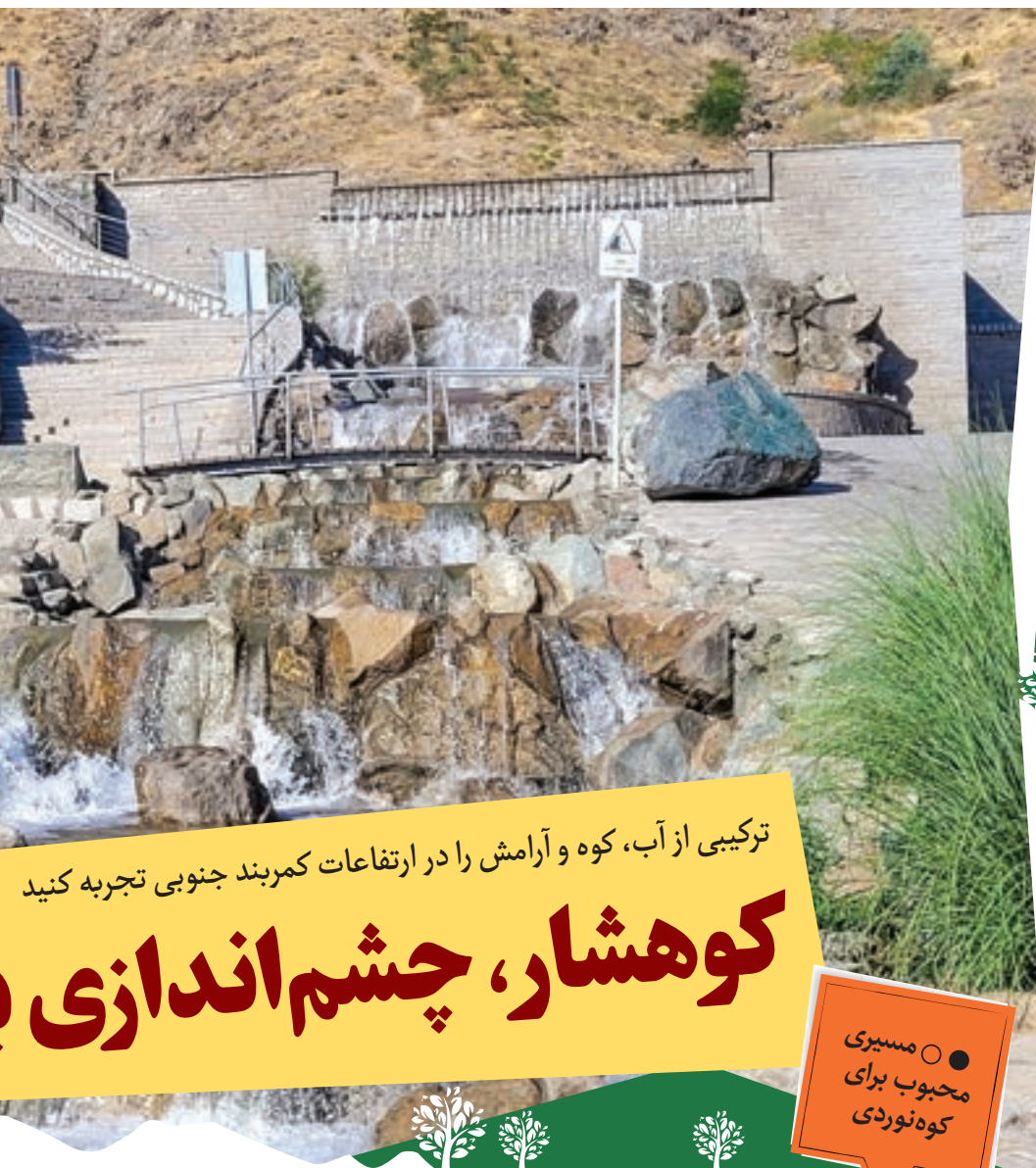
شهر خبر

دختران مسجد علی بن ابی طالب^(ع) میهمان حضرت رضا^(ع) بودند

اردوی ناب تابستانه

موسوی زاده | اردوی شاد و فرهنگی دختران محله امام خمینی^(ره) با دورهمی در مسجد علی بن ابی طالب^(ع) آغاز شد. در این اردو که پایگاه بسیج خواهران مسجد علی بن ابی طالب^(ع) برگزار کننده آن بود، شرکت‌کنندگان ابتدا میهمان سفره صبحانه حضرت رضا^(ع) در حرم مطهر بودند. سپس با حضور در سالن فرهنگی نوجوانان و جوانان آستان قدس رضوی، در برنامه «دخترانه حرم» شرکت کردند.





ترکیبی از آب، کوه و آرامش را در ارتفاعات کمر بند جنوبی تجربه کنید

کوهشار، چشم اندازی

● ● مسیری محبوب برای کوه نوردی

● ● ۲۰ دریاچه، یک آبشار، جایی برای تنفس



اودر باره دلیل انتخاب بوستان کوهشار می گوید: مزیت اصلی اینجا، بکر بودنش است. معمولاً افراد کمتری صبح زود به اینجا می آیند و شاید همین خلوت بودن باعث احساس آرامش و راحتی بیشتر ما می شود. سهیل نیز به زیبایی های مسیر آبشار اشاره می کند: «در پاییز و زمستان یک جور زیبایی دارد، در بهار و تابستان جور دیگر. شنیدن صدای همین آب، انگار روح آدم را تازه می کند.»

چند دقیقه ای به ساعت ۶ صبح مانده است که حامد بزرگمهر به همراه دوستش، سهیل بنکدار، با کوله پشتی ای سبک از سطح دریاچه دوم پایین می آیند. آن ها صبحانه را بالای قله خورده و حالا راه برگشت را در پیش گرفته اند. حامد می گوید: کوه نورد حرفه ای نیستم، اما علاقه زیادی به کوه پیمایی دارم. هفته ای چند روز همراه دوستم به بوستان های مختلف مشهد مثل کوهسنگی، خورشید، کوه پارک و کوهشار می رویم.

● ● جایی خالی است بعضی امکانات

حس آرامش به آدم منتقل می کند. او طبیعی و بکر بودن فضای بوستان را یکی از ویژگی های مثبت این مجموعه می داند. اما به نبود امکانات تفریحی هم اشاره می کند: «در این بوستان وسایل بازی برای کودکان وجود ندارد. به نظرم اگر تعدادی تاب و سرسره در بخشی از پارک گذاشته شود، بهتر است. بچه برای همین وسایل بازی دوست دارد به پارک بیاید.» میرزایی همچنین نبود آبخوری را از دیگر کمبودهای مجموعه می داند: «ما وسایل پیک نیک همراه داشتیم، اما وجود آبخوری در نقاط مختلف بوستان، یکی از نیازهای اساسی است که باید به آن توجه شود.»

منیره میرزایی که همراه با خواهر و فرزندان به بوستان کوهشار آمده، کنار یکی از صندلی های پارک زیراندازی پهن کرده و همان طور که در حال نوشیدن چای و گفت و گو هستند، نگاهشان مراقب بازی بچه هایشان نیز هست. اوفضای بوستان را برای خانواده ها مناسب و دل نشین توصیف می کند و می گوید: یادم است قبل از اینکه پارک ساخته شود، هر موقع از این مسیر رد می شدیم، یک طرف فقط کوه بود و طرف دیگر هم ساختمان های مرتفع در حال ساخت. اما حالا یک دریاچه بسیار زیبا وجود دارد که تماشای آن

نجمه موسوی زاده کافی است پایتان به بولوار شهید ارتش برسد. یا حتی از تقاطع بولوار نماز، نگاهی به سمت کوه های پیش رو بیندازید تا در دل چشم اندازی خشک و سنگی، منظره ای خیره کننده و زیبا، شمارا متوقف کند: آبشاری تماشایی که انگار تکه ای از طبیعت ناب را به میانه شهر آورده است.

داستان جلد

بوستان کوهشار، حال و هوای متفاوتی به کمر بند جنوبی شهر داده است: آن قدر که نه تنها چهره است. کوهشار ترکیبی دل نشین از دو کلمه «کوه» و «آبشار»؛ جایی میان سنگ، سبزه و صدای آب است.

ماجرای ساخت این بوستان به سال ۱۳۹۹ بازمی گردد: زمانی که مدیریت شهری با هدف افزایش سرانه فضای سبز و ساخت فضایی برای تفریح، آرامش و کوه پیمایی شهروندان، اجرای پروژه «کوهشار» را آغاز کرد: پروژه ای که ساخت بزرگ ترین آبشار مصنوعی کشور، با ارتفاعی به بلندی ۱۹۸ متر، در قلب آن قرار داشت.

تنها یک سال زمان برد تا این پروژه به ثمر بنشیند و بوستانی به وسعت چهل هکتار آماده پذیرایی از شهروندان شود و اکنون پس از گذشت حدود ۴ سال یکی از پاتوق های تفریحی بکر مشهدی هاست.

همین که وارد بوستان شوید، حال و هوایتان عوض می شود. صدای شرشر آب از دور شنیده می شود و نسیمی خنک، صورتتان را نوازش می دهد. در همان ابتدای مسیر و به فاصله ای کوتاه، دریاچه ای آرام و درخشان به چشم می خورد: آب این دریاچه، زلال است و رنگ آبی روشنی دارد و انعکاس نور آفتاب روی سطحش، چشم را خیره می کند. دریاچه اول بوستان قرار دارد و نرده هایی دور تا دور آن کشیده شده است تا فضایی ایمن برای تماشای منظره اطراف فراهم شود. نیمکت هایی نیز در سایه درختان اطراف دریاچه قرار گرفته اند: جایی برای نشستن، تماشای منظره و شنیدن صدای دل نشین آب. اما صدای آب، تنها از همین دریاچه شنیده نمی شود. یک طرف دریاچه، راهی پلکانی و طرف دیگرش سطح شیب داری دارد که باز دیدکنندگان را به سمت ارتفاعات هدایت می کند. این مسیر از دل کوه می گذرد: راهی سنگ فرش شده و دل انگیز که در آن نیمکت هایی چوبی برای استراحت گذاشته شده است.

در طول مسیر نیز پل هایی با کف پوش چوبی و نرده های ساده به چشم می خورد که عبور از روی جریان آب را لذت بخش تر می کند. فاصله بین دریاچه اول و دوم نزدیک است و خیلی زود روی مسیر پلکانی می توان به دریاچه دوم رسید.

هرچه بالاتر می روید، صدای آب واضح تر و پررنگ تر می شود. پله ها به تدریج کوتاه تر و رفت و آمد آسان تر می شود. با عبور از کنار دریاچه دوم، از ارتفاع می توان دریاچه اول را دید که همچون آینه ای آرام، در پایین دست به چشم می خورد. با کمی کوه پیمایی و بالا رفتن از صخره های طبیعی و بکر در نهایت به سرچشمه می رسید: آبشاری که از بلندترین نقطه کوه جاری می شود و در سه سطح مختلف به پایین می ریزد. آب از دل صخره های جوشد و با شکوهی خاص، روی سنگ ها می لغزد. آن را «آبشار خط الرأس» می نامند: زیرا از بلندترین نقطه کوه به پایین سرازیر می شود. این آب، ابتدا به دریاچه دوم، سپس به شکل پلکانی به دریاچه اول می ریزد و جریانی زنده، طبیعی و هماهنگ به بوستان می بخشد.

اگر در همان بالا لحظه ای بایستی و چشمانت را به دور دست بدوزی، پاداش این مسیر را خواهی دید: گنبد طلایی حرم مطهر رضوی میان ساختمان های شهر می درخشد. اگر بعد از غروب آفتاب در بوستان باشی، منظره تماشایی تر است و چراغ های ریز و درشت شهر در دل تاریکی شب روشن اند و چشم اندازی چشم نواز ایجاد می کنند: گویی بر بام آرام مشهد ایستاده ای.



چرخش آب، بدون هدررفت

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ درباره ویژگی منحصر به فرد این بوستان توضیح می دهد: برای اجرای این پروژه، سعی کردیم با کمترین آسیب به طبیعت، لوله کشی از دل کوه را انجام دهیم تا آب به صورت چرخشی از خط الرأس تا دریاچه اول برود و دوباره بازگردد؛ بدون اینکه هدررفت چشم گیری داشته باشیم. این آب با سرعتی معادل هشتصد مترمکعب پمپاژی می شود و بزرگ ترین اتاق تأسیسات آبشار کشور هم همین جاست.

سید محمد ثریایی درباره تأمین منابع آبی آبشار بوستان می گوید: منبع تأمین آب بوستان از چاه های بولوار شهید نامجو و میدان حافظ است. البته با توجه به شرایط آبی در تابستان، ناچاریم آب مسیر خط الرأس را قطع کنیم و فقط دریاچه ها فعال بمانند. دریاچه اول حدود ۴ هزار مترمکعب و دریاچه دوم ۴ هزار و ۸۰۰ مترمکعب ظرفیت دارد. آب از دریاچه دوم به اول با اختلاف ارتفاعی حدود دو متر، مثل آبشار سرازیر می شود.

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ همچنین به منظره منحصر به فرد این بوستان اشاره می کند و می گوید: یکی از مزیت های مهم کوهشار، مسیر ۸،۴ کیلومتری سطح دریاچه اول تا حرم مطهر است که باعث می شود از طبقات بالای هتل های اطراف حرم، منظره آبشار خط الرأس کاملاً دیده شود.

●● کمترین دخالت، بیشترین زیبایی

ثریایی درباره فضای سبز مجموعه توضیح می دهد: در این بوستان، گیاهانی که نیاز به آبیاری کمتری دارند از جمله زبان گنجشک، سرو، ارغوان، ابریشم، طاووسی، نخل مرداب کاشته شده است. همچنین امکانات رفاهی مناسبی مانند پارکینگ با ظرفیت ششصد خودرو، ۴۵ چشمه سرویس بهداشتی، نمازخانه، بوفه و کافه در مجموعه تعبیه شده است.

او تأکید می کند: کمترین دخل و تصرف در طبیعت، وجه تمایز اصلی این بوستان با بوستان های دیگر مشهد است. اینجا خبری از آسفالت یا ساختمان های بتنی نیست. نمازخانه، اتاق مدیریت و حتی کافه ها همگی کانکسی هستند.

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ یادآور می شود: از چهل هکتار وسعت بوستان، چهارده هکتار به فضای سبز اختصاص یافته است و در صورت تأمین آب، ۲۸ هکتار دیگر هم از پایین دست به مجموعه اضافه خواهد شد.

●● محدودیت تأمین آب شرب

ثریایی در پاسخ به برخی از گلهای ها توضیح می دهد: نصب آبخوری به دلیل نبود شبکه آب شرب در این محدوده امکان پذیر نیست. حتی همکاران ما که به صورت روزانه در بوستان مستقرند، آب آشامیدنی را همراه خودشان می آورند.

او می افزاید: این محدوده کوهستانی و بکر نگهداری شده است و امکان نصب وسایل بازی در آن وجود ندارد. تنها بخش مسطح بوستان، محدوده دریاچه اول است که در آنجا فضای استراحت برای خانواده ها در نظر گرفته شده است.

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ همچنین به فراهم بودن مسیر دسترسی برای برخی گروه ها اشاره می کند: در قسمت شرقی بوستان، فضاهای شیب دار و رمپ هایی طراحی شده که امکان تردد برای سالمندان یا افرادی را که کالسکه دارند، فراهم کرده است. این مسیر از مسیر پلکانی جداسازی و تا سطح دریاچه دوم ادامه دارد؛ بنابراین بازدیدکنندگان می توانند با سهولت بیشتری از فضای بوستان استفاده کنند.

به گفته ثریایی، از برگزاری برنامه های فرهنگی در این بوستان استقبال می شود و پیش تر نیز در مناسبت های مختلف، برنامه هایی در این فضا برگزار شده است. او می گوید: برای نمونه در میلاد امام رضا (ع)، غرفه ای برای پخش شربت و شیرینی در نظر گرفته شد که با استقبال خوبی همراه بود.



●● کوهشار
نیاز مردم بود

عصرها برای اینکه بچه ها بازی کنند و ما هم هوایی تازه کنیم، به پارک می آییم. به نظرم ساخت این بوستان یکی از نیازهای مردم این منطقه بود، به ویژه در این دود و شلوغی زندگی شهری. آدم به این فضا نیاز دارد. او ادامه می دهد: در فصل بهار، از وقتی هوا تاریک می شود تا نیمه شب، آن قدر بوستان شلوغ می شود که جای سوزن انداختن نیست!

●● ناشناخته
برای زائر و مسافر

سفر به مشهد به این بوستان حتماً سر بزنند. چند خانم و آقا بالباس بلوچی در گوشه ای از بوستان نشسته اند. زهرا دهاوری که همراه خانواده اش از شهرستان راسک به مشهد سفر کرده است، می گوید: منزل یکی از دوستانمان در همین نزدیکی است و همراه آن ها به پارک آمده ایم. او با اشاره به اینکه برای کارهای درمانی پدرش به مشهد آمده اند، توضیح می دهد: می دانستیم که قسمتی از پارک شیب دارد و فضا به شکلی است که پدر پیرم هم می تواند همراه ما تا این قسمت (اشاره به دریاچه اول) بیاید و به نظرم اینکه با وجود مسیر کوهستانی رعایت حال سالمندان هم شده، نکته مثبت این بوستان است.

نوبت دوم که به کوهشار می رویم، دوساعتی از غروب آفتاب گذشته است. زن و مرد جوانی بر یکی از نیمکت های نزدیک دریاچه اول نشسته اند و بالبخند، نظاره گر بازی دو فرزند کوچکشان در آبراهه بین دریاچه اول و دوم هستند.

محمد امین یعقوبی که در یکی از مجتمع های مسکونی بولوار نماز سکونت دارد، درباره بوستان می گوید: نزدیک ترین بوستان به خانه ما، کوهشار است. بعضی

یک زوج جوان هم که از تهران به مشهد سفر کرده اند، در کنار یکی از پل های چوبی بوستان مشغول عکاسی هستند. محمد رشیدی می گوید: ما اصلاً نمی دانستیم چنین جایی وجود دارد. در این ۲۷ سال که از خدا عمر گرفته ام، بارها برای زیارت به مشهد آمده ام ولی همیشه برای تفریح، یا به کوهسنگی و پارک ملت رفته ام یا طایر قبه. خیلی تصادفی اسم این بوستان را از یکی از آشناها شنیدیم و آمدیم.

وقتی به او می گویم که از احداث این بوستان فقط چهار سال می گذرد، می گوید: البته من سال گذشته هم به مشهد آمده بودم و باز هم نمی دانستم چنین بوستانی در مشهد هست. پارک واقعاً زیبایی است و حیفاً است که برای مسافران ناشناخته بماند. به فامیل و دوستانم پیشنهاد می کنم در

بکر رو به شهر

پایین آمدن از
س در قسمتی
کوه بالا برود،
گاهی به باغ
ماز و وقتی که
م
ستان می گیرد،
ضیح می دهد:
دارند، رسیدن
ها ایستگاهی
بنابر این مسیر
برای بچه ها و

فاطمه مجاور یکی از مجروحان بمب‌گذاری واقعه حرم مطهر رضوی است

عنایت آقا اگر نبود...



راه تجربه



سمیرا منشادی اگر می‌توانست، فاطمه مجاور را به یاد سال ۱۳۷۳ و واقعه بمب‌گذاری در حرم می‌اندازد. روزی که فاطمه خانم این واقعه را تجربه کرد، هوا به شدت گرم بود. او در حرم در حال خواندن دعا بود و در یک لحظه دنیا جلوی چشم هایش تیره و تار شد. صدای انفجار و شکستن شیشه‌های پنجره فولاد را هنوز به خوبی در خاطر دارد.

وقتی در بمب‌گذاری دچار آسیب دیدگی از ناحیه پای چپ شد، آن قدر وضعیتش وخیم بود که پزشکان می‌گفتند باید از بالای زانو قطع شود. اما نذر و نیاز هایش جواب داد و او حالا بعد از گذشت ۳۱ سال هنوز روی هر دو پایش راه می‌رود. فاطمه خانم هر وقت ماجرای بمب‌گذاری را به خاطر می‌آورد، بغض راه گلویش را می‌بندد و اشک پشت اشک می‌ریزد.



● عهدی که بستم

در همان حال که بستری بود، به او و همسرش پیشنهاد کردند که می‌توانند برای جانیازی اش اقدام کنند. اما آن‌ها قبول نکردند؛ چون معتقد بودند فاطمه خانم در حال زیارت آسیب دیده و حساب و کتاب این موضوع با امام رضا^(ع) است و به مال دنیا ربطی ندارد. به قول خودش در راه ایمان و عقیده اش آسیب دیده است.

از وقتی فاطمه خانم به خانه آمد، مدام با خدا راز و نیاز می‌کرد. به خدای گفت اگر پایش را برگرداند، آواز این پابرای خدمت به خلق استفاده می‌کند. آرام آرام توان راه رفتن به پایش برگشت. هیچ تفاوتی با آدم عادی نداشت. نه پایش کوتاه شد و نه لنگید. اما یک سال طول کشید تا مثل قبل شود.

فاطمه خانم از وقتی سرپا شده، از فعالان خیریه علی اصغر^(ع) و خیریه امام رضا^(ع)، خادم خواجه اباصلت، خادم ایستگاه زائران پیاده شهرک طرق و عضو فعال بسیج بوده است. هر روز چند ساعتی برای کمک به خیریه امام رضا^(ع) می‌رود. او بدون هیچ چشمداشتی، هر کاری از دستش برمی‌آید، انجام می‌دهد. فاطمه خانم که خودش با مشکلات بسیاری دست به گریبان است، برای کمک به هم نو عانش کم نمی‌گذارد؛ از راهنمایی مددجویان و انجام تحقیقات گرفته تا بسته بندی بسته های معیشتی، جواب دادن به تلفن، به نوعی او آچار فرانسه خیریه به شمار می‌آید. در خیریه او را «مامان» صدا می‌زنند.

● باید پایت را قطع کنیم

همسر و پسر فاطمه خانم زودتر سر قرارشان حاضر شده بودند. اما از مادر رود ختر خبری نبوده. فاطمه خانم می‌گوید: همسرم بعد ها برایم تعریف کرد آن روز دیده جمعیت و وحشت زده در حال دویدن هستند. جلوی یکی از آن‌ها را گرفته و پرسیده چه خبر شده. به او گفته بودند در حرم بمب‌گذاری شده، همسر و پسر به حرم آمده اما پیدا ایمان نکرده بودند. یک نفر از خادمان به آن‌ها گفته بود همه مجروحان را به بیمارستان امدادی برده اند.

همسر برای پیدا کردن من و دخترم به بیمارستان آمد. هنوز از دخترم بی‌خبر بودم تا اینکه همسر مرا پیدا کرد و گفت دخترمان هم در همان بیمارستان بستری شده است. دست دخترم شکسته بود و آن را گچ گرفته بودند. پزشک که ویزیتم کرد، گفت «پای چپ از چند جاشکسته و استخوان تاب برداشته است؛ نمی‌توان برای آن کاری کرد و باید پایتان قطع شود». اما همسرم مخالفت کرد و اجازه نداد.

۱۰ روز و زنه سنگین به پایش آویزان بود تا شاید استخوان پاکه کج شده بود، سر جایش برگردد. در این مدت پزشکی حاضر به عمل جراحی پای فاطمه خانم می‌شود. از طرفی مسئولان وقت آستان قدس برای عیادتش می‌آیند و هزینه بیمارستان و جراحی اش را متقبل می‌شوند. دخترش بعد از دو روز از بیمارستان مرخص می‌شود. اما فاطمه خانم تا چهل روز بعد در بیمارستان می‌ماند.

دکترهای پای کج شده را پلاتین گذاشتند و بعد از گذشت این مدت او روانه خانه شد.

● صدای مهیب پشت پنجره فولاد

فاطمه خانم ۶۳ سال دارد و همه عمرش را در محله طرق گذرانده است. زندگی اش مانند بسیاری از دختران پیش رفته است؛ ازدواج، فرزندآوری و خانه داری. اما درسی و دو سالگی زندگی اش دستخوش تغییر شد. او در حادثه ماجرای بمب‌گذاری در حرم رضوی توسط منافقین دچار آسیب شد و تا مرحله قطع پا هم پیش رفت. حالا که روبه روی ما نشسته و خاطره آن روز را مرور می‌کند، اشک لحظه ای امانش نمی‌دهد. با دستمال نخی سفید گل داری مدام وسط صحبت، اشک هایش را پاک می‌کند و بر ایمان از روزگارش می‌گوید. آن دوشنبه خانوادگی به حرم رضوی رفته بودند، اما او و دخترش به جای برگشت به خانه راهی بیمارستان شدند. فاطمه خانم از آن روز بر ایمان این طور تعریف می‌کند: روز عاشورا بود و دلم هوای زیارت داشت. به همسر، مرحوم محمد راستی، گفتم. او هم استقبال کرد. از اتوبوس که پیاده شدیم، به سمت حرم رضوی رفتیم. مسیر فلکه آب به سمت حرم از روزهای دیگر خیلی شلوغ تر بود. در همان سیل خروشان جمعیت به پابوس امام رضا^(ع) رفتیم.

قبل از ورود به حرم با همسرش قرار می‌گذارند که ساعت ۱۴ یعنی دو ساعت بعد، هنگامی که زیارتشان را انجام دادند، به فلکه آب بیایند تا به خانه برگردند. او دست دخترش را می‌گیرد و به سمت پنجره فولاد می‌رود تا راز و نیاز کند. در حال سلام آخر زیارت عاشورا بوده که ناگهان صدای مهیبی می‌شنود.

● دخترم کجاست؟

دستمالش را مقابل صورتش می‌گیرد و آرام و بی صدا اشک می‌ریزد. لرزش صدایش بیشتر شده است. صبر می‌کنم تا بتواند دوباره صحبت کند. آرام که می‌شود، می‌گوید: صدای انفجار خیلی وحشتناک بود. به خودم که آمدم، دیدم نزدیک ایوان طلا هستم. انفجار من را از پشت پنجره فولاد به ایوان طلا پرت کرده بود.

اولین چیزی که از زمان به هوش آمدنش به یاد دارم این است که یک نفر داشت با عجله رد می‌شد. انگار پام آویزان بود و در مسیر رفت و آمد مردم، دو پایم را کنار هم گذاشت و رد شد. در همان حال صدای خانمی را می‌شنیدم که می‌گفت یا امام رضا^(ع)! به فریادم برس؛ زائرت هستم. نجاتم بده..

دوباره بیهوش می‌شود و بار دیگر که چشمانش را باز می‌کند، خودش را در خود روئیانی می‌بیند. از آن لحظه این گونه یاد می‌کند: چشمم را که باز کردم، دیدم داخل خودروهستم. بانگرانی پرسیدم دخترم کجاست؟ کجایم رویم؟ راننده گفت «شمارد بمب‌گذاری حرم آسیب دیده آید. با کمک مردم سوار ماشین شده آید. حالا هم به سمت بیمارستان امدادی می‌رویم. از دخترت خبری ندارم. امید و ن شک او را هم اگر آسیب دیده باشد، به بیمارستان می‌آورند».



کاسب قدیمی کوچه سراب مایه دلخوشی اهالی است

آقارضا، امین همسایه‌ها



صندوق
خاطرات

فرامرز ای در کوچه سراب، مغازه دارها و همسایه‌ها آقارضا را خوب می‌شناسند. او از چهل سال پیش تا حالا در این کوچه کاسبی می‌کند و بزرگ و کوچکش را می‌شناسد. آقارضا آزاد شصت سالش را پر کرده است و حالا یک نوه دارد. موسسید کردن در کوچه سراب باعث شده است جایگاه ویژه‌ای بین اهالی داشته باشد. او تا ۳۵ سال پیش، مغازه سیم پیچی داشت و از وقتی چشم‌هایش ضعیف شد، تصمیم گرفت کارش را تغییر دهد. از همان موقع سوپرمارکت کوچکی در این کوچه دارد و ارتباطش با اهالی جنت به دلیل این نوع کاسبی خیلی بیشتر شده است.

رضا آزاد پای در دلد اهالی محله می‌نشیند و سعی می‌کند امینشان باشد.

حرف‌هایم اثر کرد

سال‌ها پیش آقارضا با خبر می‌شود یکی از همسایه‌هایش در کوچه سراب می‌خواهد همسرش را طلاق بدهد. او در این باره می‌گوید: همسایه‌مان برای خرید به مغازه می‌آمد ولی خیلی دمی و گرفته بود. سن و سالش هم کم نبود. راستش روی نمی‌شد حرفی بزنم. تا اینکه بالاخره خودش اعتماد کرد

و سردرد دلش باز شد. آن قدر وضعیت روحی‌اش خراب بود که حد نداشت. گذاشتم حسابی در دلد کند. کرکه مغازه را کشیدم پایین تا بین حرف‌هایش کسی مزاحم نشود.

تصمیم به طلاق رفتن به دادگاه آن هم در پنجاه سالگی و با داشتن عروس و داماد چندان خوشایند نبود. آقارضا تلاش کرد همسایه‌اش را که حالا از



بزرگ‌تر عروس خانم

او معتقد است باید کار خوب را بازگو کرد تا نشر پیدا کند. آقارضا یکی دیگر از خاطراتی را که از به خاطر آوردنش احساس رضایت می‌کند، این طور بالبخند بر ایمان تعریف می‌کند: بنا بود برای دختر همسایه خواستگار بیاید. خانم همسایه آمد و گفت بزرگ‌تر نداریم؛ می‌شود بیایی و بزرگ دخترم باشی؟ خودم دو تا دختر دارم. حس کردم برای دختر خودم امر خیر در پیش است. وصلت سرگرفت. در مراسم دختر همسایه‌مان هم حضور داشتم. حالا با همسرم با این خانواده در ارتباط هستیم و رفت و آمد خانوادگی داریم.

نوجوان هنرمند محله انقلاب آرزوی زیبایی دارد

نقاشی روی دیوارهای شهر



امید محله



نقاشی از اشیا را دوست داری یا طبیعت؟

طبیعت حس و حال خوبی دارد. یکی از فضاهای مورد علاقه‌ام حرم امام رضا (ع) است. رنگ‌ها و طرح‌هایی که در معماری حرم به کار رفته بسیار ماهرانه است و آن را بسیار دوست دارم. ساعت‌ها به ترکیب رنگ‌ها و معماری‌اش نگاه می‌کنم و الگویی گیرم.

مردم از نقاشی رنگ روغن استقبال می‌کنند یا آبرنگ؟

هزینه‌های رنگ روغن زیاد است و مردم به دلیل گران بودن از آن کمتر استقبال می‌کنند. اگرچه این تابلوها ماندگاری بیشتری دارند. اگر هنرمند بخواهد فروش داشته باشد، باید آنچه را مردم می‌پسندند ارائه کند.

اگر بخواهی در محله‌تان تغییری ایجاد کنی، چه کاری انجام می‌دهی؟

شهر و محله‌مان به نظر زیبایی بصری کم دارد. دیوارهایش را با نقاشی‌هایم زیبایم کردم تا مردم یاد دیدنشان حالشان بهتر شود. رنگ به مردم و شهر روح می‌دهد و آن‌ها را سرزنده و شاداب می‌کند.

آیا نمایشگاهی از کارهای خودت برگزار کرده‌ای؟

هنوز آن قدر کارم شناخته شده نیست که به تنهایی و مستقل نمایشگاه برگزار کنم. به همراه دوستانم آثارم را در چهار نمایشگاه گروهی به نمایش گذاشته و در دو کارگاه آموزشی هم شرکت کرده‌ام.

خانواده‌ات چه واکنشی در مقابل کارهایت دارند؟

پدر و مادرم تابلوهایم را در خانه نصب می‌کنند. برخی از اطرافیانم سفارش کار داده‌اند و برایشان پرتره کشیده‌ام.

چه حسی داری زمانی که تابلویت را روی دیوار خانه‌تان یا خانه سایر اقوام می‌بینی؟

لذت می‌برم. روی تابلوهایم بسیار حساسم و اگر جای مناسبی نصب نکرده باشند، حتماً به آن‌ها می‌گویم جایی نصبش کنند که همه آن را ببینند.

سبک چیست؟

هایپررئال را انتخاب کرده‌ام؛ زیرا در این سبک به جزئیات بسیار توجه می‌شود. از اینکه جزئیات را در نقاشی بکشم، لذت می‌برم. آبرنگ و رنگ روغن و سیاه قلم هم کار می‌کنم.



از تابلو عاشورا که برای مسابقه نگارخانه رضوان کشیدی، بگو.

دو سال قبل در نگارخانه رضوان مسابقه گروهی با موضوع طرح‌های مذهبی برگزار شد. در این مسابقه به همراه استاد نقاشی ام و سه نفر از هنرجویان شرکت کردیم. رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ در بازدیدی که از نگارخانه داشت، از تابلو سیاه قلمی که کشیده بودیم، تعریف و تمجید کرد و به خاطر آن تقدیرنامه دریافت کردیم و طرحمان مقام دوم ناحیه را به دست آورد. حتی پیشنهاد صد میلیونی برای خریدش داشتیم که مری مان، اعظم هاشمی با همفکری ما آن را رد کرد. در نهایت تابلو را به موزه آستان قدس رضوی اهدا کردیم.

چطور نقاش شدی؟

از کودکی هر چیزی را که می‌دیدم، نقاشی می‌کردم. تا اینکه کلاس هفتم پدرم متوجه استعدادم شد و در کلاس نقاشی ثبت نامم کرد.



امید محله



محله خلج

حجت‌الاسلام براتعلی یعقوبی

رئیس شورا



محمد مهدی نیکخو

نایب‌رئیس



کنیز رضا علیجانی

نماینده بانوان



حسین رمضان نژاد

نماینده تشکل‌های مردمی



دانا علیزاده

نماینده بازاریفرینی



محسن داوری

نماینده ایثارگران



جواد برنا

نماینده جوانان



عباس‌علی غلامزاده

نماینده کلانتری



محمد جنیدی

نماینده دوام‌ثامن



حبیب خلیلی

نماینده بسیج



علیرضا صفری

نماینده کسبه



محمد عبدی

نماینده ساکنان



۷

معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات

محله خلج، محله زارعین و محله طرق

محسن حسینی

دبیر شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۷



محله زارعین

سید غلام‌رضا تقوی

رئیس شورا



حجت‌الاسلام مهدی طالبی

نایب‌رئیس



اعظم یزدانی

نماینده ساکنان



جواد فخور

نماینده کلانتری



حسن کوهستانی

نماینده بسیج



رقیه خواجه‌بامری

نماینده بانوان



سعید صفامنظر

نماینده جوانان



سید زهره موسوی

نماینده دوام‌ثامن



طیبه دلیر

نماینده ساکنان



محمود زنگنه

نماینده مدارس



حمزه قدیری

رئیس شورا



جواد احمدی

نایب‌رئیس



حجت‌الاسلام محمد مرادی

نماینده مساجد



فاطمه رحیمی

نماینده ساکنان



امیر حسین بوسعیدی

نماینده ساکنان



لیلا ترابی

نماینده دوام‌ثامن



حسین دهقان مقدم

نماینده کسبه



مهدی طرقیان

نماینده بسیج



سجاد ایوبی

نماینده جوانان



محله طرق